



کیومرت اشتریان

در سرمقاله آستانه بحران منطقه‌ای نوشته بودیم که دامنگسری جنگ به پاکستان، ترکیه و عربستان که تاکنون مستقیم درگیر نبوده‌اند می‌تواند صحنه جنگ آمریکایی-اسرائیلی را دگرگون کند. اینک می‌توان گفت آمریکا در پی رودررو قراردادن ایران با کل جهان است و این از سخنان اخیر ترامپ در سازمان ملل کاملا آشکار است. او در سخنانش ابتدا مدعی است ذخایر بزرگ ایران از موشک و پهپاد و تجهیزات نظامی برای کشورهای منطقه تهدید محسوب می‌شوند و اینکه «رژیم» جمهوری اسلامی ۷۰ هزار نفر از شهروندان خود را کشته است تا این معنا را برساند که حکومت ایران هم برای منطقه تهدید است و هم برای مردم خودش. این مضمون در سخنرانی نتانیاہو نیز تکرار شد. «رژیم» کلیدواژه‌ای است که در تعابیر دولتمردان و رسانه‌های غربی بسیار پرتکرار است و بخشی از عملیات روانی برای توجیه تجاوز آمریکایی-اسرائیلی است تا تجاوز به ایران را «عملیات» علیه یک رژیم سیاسی نشان دهند. این ادامه همان عملیات رسانه‌ای-معنایی است که بر سر تیم‌های ملی ورزشی ایران در این سال‌ها آورده‌اند و آنها را نماینده رژیم و نه نماینده ایران دانسته‌اند. واژه‌ها در سیاست خارجی فقط ابزار انتقال خبر نیستند؛ آنها بازگیر، مخاطب، مسئولیت و مشروعیت را بازتعریف می‌کنند. این نکته که کاربرد مکرر «رژیم» می‌تواند مرز میان «حکومت» و «ملت» را برجسته کند، از منظر تحلیل گفتمان قابل توجه است.

ترامپ سپس ادعا را فراتر می‌برد و به موشک‌های دارای برد اروپایی اشاره می‌کند و مدعی است که توان موشکی متعارف ایران می‌توانسته پوششی برای توسعه توان هسته‌ای باشد. اما حکایت به اینجا ختم نمی‌شود. یک نکته مهم دیگر در منطق سخنرانی او دیده می‌شود و آن اینکه ایران فقط یک مسئله امنیتی نیست؛ بلکه یک مسئله انرژی جهانی است.

یادداشت

ترامپ و بن‌بست پیروزی

چرا ترامپ به‌سادگی به «عنوان پیروزی» نمی‌رسد؟



روزبه کردونی

ترامپ در جنگ علیه ایران به یک صحنه پایانی نیاز داشته و هنوز دارد؛ لحظه‌ای که بتواند مقابل دوربین‌ها بایستد و بگوید: تمام شد. ایران عقب نشست، توافق کرد یا نتیجه‌ای حاصل شد که بتوان نام «پیروزی» بر آن گذاشت. از جنگ ۱۲روزه تا جنگ رمضان و از میدان نبرد تا میز مذاکره، این نیاز تغییر نکرده است؛ فشار باید سرانجام به نتیجه‌ای روشن، قابل نمایش و قابل نام‌گذاری تبدیل شود. پیروزی فقط نباید اتفاق بیفتد؛ باید بتوان آن را اعلام کرد. اما آیا ترامپ به آن لحظه خواهد رسید؟ آیا می‌تواند به‌سادگی «عنوان پیروزی» را به دست آورد؟ شاید بخشی از دشواری آمریکا در مواجهه با ایران را بتوان از همین پرسش فهمید: نه‌فقط از تعداد هواپیماها و موشک‌ها، میزان خسارت‌ها یا آنچه پشت میز مذاکره می‌گذرد، بلکه از تفاوتی بنیادی‌تر در معنای پیروزی. آمریکا توانسته و همچنان می‌تواند خسارت‌های سنگینی وارد کند و در برخی میدان‌ها دست بالا را داشته باشد؛ اما هیچ‌یک از اینها به‌تنهایی پایان سیاسی یک منازعه را تضمین نمی‌کند. مسئله ترامپ از ابتدا فقط قدرت واردکردن ضربه نبوده و اکنون نیز نیست؛ مسئله، تبدیل آن قدرت به یک پایان سیاسی است. او هم در جنگ به صحنه پیروزی نیاز داشته و هم امروز، پس از جنگ، به «عنوان پیروزی» نیاز دارد. درست در فاصله میان این دو -قدرت ضربه‌زدن و توان تحمیل پایان- بن‌بست پیروزی ترامپ شکل می‌گیرد. جیمز پی کارس، فیلسوف آمریکایی، در کتاب «بازی‌های محدود و نامحدود» تمایزی دارد که می‌تواند بخشی از این وضعیت را توضیح دهد. بعضی بازی‌ها برای بردن انجام می‌شوند و بعضی برای ادامه‌یافتن. در بازی محدود، سرانجام باید برنده‌ای وجود داشته باشد و «عنوان» به او تعلق گیرد. در بازی نامحدود، مسئله اصلی چیز دیگری است: باقی‌ماندن در بازی. بخش مهمی از سیاست ترامپ را می‌توان با منطق نخست فهمید.

یکشنبه ۵ مهر ۱۴۰۵
۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۲۷ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۸۵
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



در «شرق» امروز می‌خوانید: روس‌ها به دنبال ضربه به اقتصاد کی‌یف • ترکیه در آستانه قیمت تاریخی بنزین • هوش مصنوعی؛ از ابزار خدمات‌رسان تا شریک تصمیم‌گیری/ حسن تقی‌زاده انصاری

جنگ افروزی آمریکا و روسیه، اقتصاد جهان را در آستانه چالشی تاریخی قرار داده است

رکود بزرگ

از واکنش‌ها به سخنان حسن روحانی تا تجمع مقابل منزل او؛ «شرق» در گفت‌وگو با چهره‌های سیاسی، ریشه منازعات سیاسی و حدود اعتراض را بررسی می‌کند

روحانی و جدال بی‌پایان

گزارش تینبریک را در صفحه ۳ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی دولت

یادداشت

رفراندوم‌گریزی از اقتصاد تا سیاست



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

الزاماتی که محیط پیرامونی به یک بنگاه اقتصادی تحمیل می‌کند، از یک نظر بسیار شبیه همان الزاماتی است که به یک تشکیلات حزبی تحمیل می‌شود. بنگاه اقتصادی با عرضه کالای خود به بازار و رقابت با سایر تولیدکننده‌ها، خود را در معرض قضاوت مردم قرار می‌دهد و گویی در یک انتخابات شرکت می‌کند. این بنگاه باید رضایت مصرف‌کنندگان را جلب کرده و آنها را به مشتریان وفادار خود تبدیل کند. یک حزب سیاسی هم باید برنامه خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که بتواند رای مردم را در انتخابات به دست بیاورد. ممنوعیت واردات یک کالای معین یا ممنوعیت ورود به یک حوزه از فعالیت اقتصادی، فرصتی را در اختیار برخی تولیدکنندگان می‌گذارد که بدون نگرانی از عملکرد رقبا، بازار را در اختیار خود بگیرند و همین امر ممکن است آنها را به نوعی بی‌اعتنایی به خواسته‌های مصرف‌کنندگان هدایت کند. مشابه این وضعیت برای یک تشکیلات سیاسی زمانی اتفاق می‌افتد که رقبای سیاسی او به هر دلیلی نتوانند وارد میدان انتخابات شده و رای مردم را به خود اختصاص بدهند. در دهه‌های اخیر، اجرای برخی سیاست‌ها در میدان

تولید کالا و خدمات، شرایطی را رقم زده که تولیدکنندگان برخی محصولات، وضعیت انحصاری برای خود ایجاد کرده و در نتیجه انکیزه کافی برای بالابردن کیفیت محصول خود نداشته باشند. به این ترتیب، مصرف‌کنندگان ناگزیر برای خرید کالایی با کیفیت نازل باید هزینه سرسام‌آوری را تحمل کنند. اما در حوزه سیاست چنین رفتاری بسیار پرهزینه‌تر و بسیار مخرب‌تر بوده است. این واقعیت که یک نامزد انتخابات مجلس با تعداد آرای بسیار ناچیز بر کرسی نمایندگی مردم تکیه می‌زند، مشابه همان وضعیت تولیدکنندگان مضمون از «آفت رقابت» است. در چنین فضایی، همان‌طور که تولیدکنندگان برخوردار از مناسبات موجود از ورود رقبای جدید احساس خطر می‌کنند، برخورداران از رانت سیاسی موجود نیز از هرگونه مراجعه به آرای مردم هراسان هستند. چنین رفتاری را چه در میدان اقتصاد و چه در میدان سیاست، می‌توان با عنوان رفراندوم‌گریزی بازشناخت؛ زیرا رفراندوم فرصتی را برای رقابت واقعی در اختیار همه رقبای قرار می‌دهد و عیار هرکدام از آنها را مشخص می‌کند.

برگزیده‌ها

با نزدیک شدن خروج نیروهای ائتلاف، واشینگتن برای رابطه تازه با بغداد آماده می‌شود

نفوذ پس از خروج

در پی اختلاف محیط زیست و منطقه آزاد انزلی بر سر یک باغ‌وحش بدون مجوز، استاندار پیشنهاد داد

توقف نمایش حیوانات درنده

نگرانی از گسترش عملیات هیبریدی روسیه در اروپا افزایش یافته است

هشدار پهبادی در غرب اروپا

شکل‌های زندگی: درباره کتاب «درباره شر» تری اگلنتون

چگونه شر نشویم

نگاه

اروپا؛ بحران انرژی و پوپولیسم راست

یادداشتی از بویا نعمت‌اللهی

یادداشت

وقتی گازوئیل حرف آخر را می‌زند



روزبه خسروخاور

در تابستان ۲۰۰۸، نفت خام با عبور از ۱۴۰ دلار و رسیدن به نزدیکی ۱۴۷ دلار در هر بشکه، به یکی از نشانه‌های بحران اقتصاد جهانی تبدیل شد. ۱۸ سال بعد، مقایسه بازار انرژی با آن دوره نتیجه‌ای غیرمنتظره دارد. نفت هنوز با رکورد ۲۰۰۸ فاصله دارد، اما گازوئیل در برخی بازارهای اصلی جهان از قیمت‌های آن دوره عبور کرده است. در آمریکا، متوسط قیمت خرده‌فروشی گازوئیل در هفته منتهی به ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ به ۶.۵۳ دلار در هر گالن رسید؛ درحالی‌که بالاترین قیمت هفتگی آن در سال ۲۰۰۸ حدود ۴.۷۶ دلار بود. تفاوت این دو دوره فقط در قیمت‌ها نیست. در سال ۲۰۰۸ فشار اصلی از بازار نفت خام آغاز می‌شد؛ در سال ۲۰۲۶، بخشی مهم از فشار در بازار پالایش و تجارت فرآورده‌ها شکل گرفته است.

